

روش برداشت از قرآن

آیه الله بهشتی

روش برداشت از قرآن از مباحث اساسی و مهم در زمینه قرآن پژوهی است، از این رو بر آن شدیم که یکی از سخنرانیهای آیه الله بهشتی را که ناظر به همین مسیحت است برگزینیم و خلاصه آن را همراه با باورقیهای توضیحی به علاقمندان تقدیم کنیم گشتی است که بنا به تصریح شهید مظلوم این سخنان بدون تمهید و تنظیم قبلی و در پاسخ به پرسشهای حاضران در جلسه سخنرانی ایراد شده است.

۱. قرآن کتابی برای همه

فهم قرآن کریم اختصاص به گروه خاصی ندارد و قرآن بی شک برای استفاده همگان آمده است و این مطلبی است که آیات فراوان قرآن روی آن تأکید دارد.^۱

علاوه بر این، افرادی که مسلمان نبودند چند آیه از قرآن را گوش می کردند و از همان معنایی که از این آیات می فهمیدند عشقی به اسلام پیدا می کردند و هدایت می شدند، آیا در بعضی موارد حکمی برسیده

آیه ای نازل می شد، پیغمبر همان آیه را بر مردم می خواندند و مردم از همان آیه تکلیف خودشان را می فهمیدند.

۲. کلیدهای فهم قرآن

در فهم قرآن سه نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

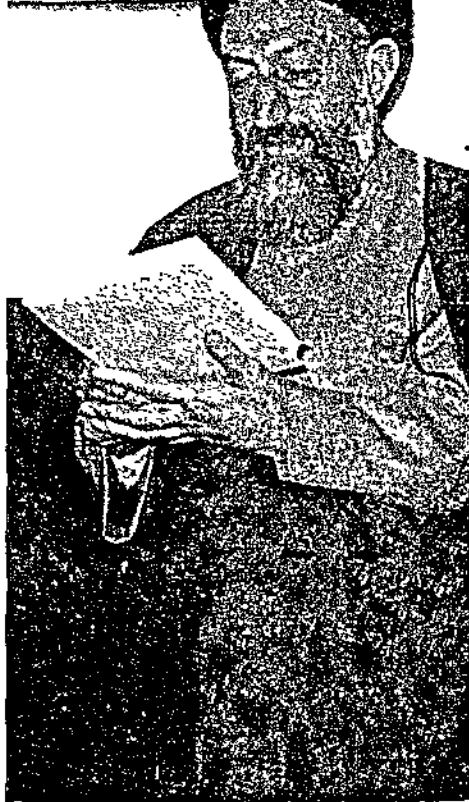
۱. قرآن به زبان عربی است؛
۲. قرآن به زبان عربی عصر پیغمبر صلی الله علیه و آله است؛
۳. قرآن مطلبی است که مثل سخنرانی و به صورت دستور شفاهی القا شده است.

با توجه به این سه نکته آموری در فهم قرآن حسیه کلیدی پیدا می کند که عبارتند از:

الف) آشنایی با زبان عربی در حد یک عرب زبانه یعنی آشنایی کامل به صرف و نحو و آشنایی به لغت و قدرت استفاده از کتابهای لغت، اقوی و معترنه حتی کتب لغت عربی به فارسی و واژه نامه هایی که موجب اشتباهاتی مصحح است.

ب) توجه به تحولات زبان و معانی قدیم و جدید الفاظ و عبارات، زبان عربی مثل هر زبان دیگری دچار تحول و تطور می شود (معانی لغات و عبارات آن در پی سالیان دراز تغییر می کند در حالی که قرآن با معانی لغات زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است) و خود می فرماید: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» پس باید مراقب باشیم که کلمات قرآن را بر معنایی حمل کنیم که در عصر نزول به کار می رفته است.

۱. او جمله می تران به آیات زیر اشاره کرد: «یا ایها الناس قد جاءکم موعظه من ربکم» (سوره بقره ۱۲۹) خصوصیت موعظه این است که باید برای مخاطب (مردم) قابل فهم و پندآموز باشد، در قدس سرینا فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون» قرآن عربیاً میرای عریح لعلهم بتقره» (سوره زمر ۲۸ و ۲۷) مشخص می شود که حتی مناهای قرآن قابل درک و تفکر دهنده برای ایشان یعنی عموم مسلمانان است، «انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلونه» (سوره بقره ۲) و حتی ما حسرتند آن به ناسل و تفسیر می پردازند، «و قرآناً قرشاً یتقره» علی القسب» (سوره لمراد آیه ۱۰۶) و در
۲. سوره ابراهیم آیه ۳.



ح) آشنایی با تاریخ و اسباب نزول قرآن زمانی که آیه ای نازل میشد یک سلسله عوامل و شرایط محیطی مثل صحنه جنگ یا صحنه شکنجه و آزار مسلمانان یا حالت و موقعیت عبادورزی و لجاجت مشرکین وجود داشت که در فهم صحیح کسانی که در صحنه حاضر بودند کمک می کرد و این شامل هر مطلب گفتاری یا حتی نوشتاری می شود.

لذا فهم صحیح آیات قرآن کم و بیش به حضور در صحنه های نزول آیات ارتباط دارد که اکنون که آن صحنه ها حاضر نیست باید با مطالعه و تحقیق تاریخی نزول قرآن، حضور نسبی در شرایط نزول حاصل شود. کتابهایی تحت عنوان اسباب النزول نوشته شده است؛ ولی کافی نیست و مطالعه یک دوره تاریخ اسلام به طور کامل برای فهم قسمتهای بسیاری از قرآن ضروری است.

۳. درک ارتباطها در آیات قرآن

باید به این سبک قرآن توجه داشته باشیم که آیات گامی ارتباط خیلی روشنی با یکدیگر دارند^۲ و گاهی از ارتباط غفلت می شود و ذهن سراغ معنایی دیگر می رود که این هم (تا حدودی) با مراجعه به تاریخ نزول آیات به دست می آید که مثلاً این مجموعه آیات با هم آمده است.

(به هر حال یک نوع انس و آشنایی با قرآن لازم است تا انسان بتواند پیوند آیات را با یکدیگر درک کند و آشنایی را که رابطه خاصی با یکدیگر دارند بشناسد و یا به عکس بین آیاتی که ارتباط خاصی با هم ندارند رابطه بی مورد و مصنوعی برقرار نکند که موجب فهم اسحرانی می شود.)^۳

۱. مثلاً ملل در آیه ای و مسول در آیه ای بعد آمده است. مثل «انم لیجلی الارض کما تا» اینجا و آنرا تا «ه» (سوره مرامت آیه ۲۵).
۲. مثل آیات ۶۷ و ۹۲ و ۱۰۵ و ۱۰۶ (سوره مائده) آیات ۲۰ تا آخر سوره فرماد.
۳. ارتباط آیات قرآن در حدت و انرا می دهد. تمام آیات قرآن که یک



روایات ما می‌گوید تفسیر آیات، مخصوص پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام است، منظور این درجه از تفسیر است؛ یعنی اینکه ارتباط معنی با لفظ روشن نباشد.

۲. نوع دیگر از معنی سبلیک بدین صورت است که ارتباط معنی با لفظ آتقدرو روش نیست که حتی خیلیها با دقت بفهمند؛ اما بعد از اینکه یک نفر فهمید و گفت این معنی از این آیه می‌تواند مراد باشد خیلیها می‌توانند این ارتباط را بفهمند؛ یعنی ابتدا ارتباط معنی با لفظ، روشن و همه کس فهم نیست؛ اما بعد از بیان یک نفر، قبول این ارتباط برای خیلیها آسان می‌شود. این مخصوص پیامبر و امام نیست؛ ولی یک شرط دارد و آن این است که در این برقراری پیوند تحت تأثیر هوا و هوس و خواسته و رأی خود قرار نگیرد؛ باشیم و الا این هم یک نوع تفسیر به رأی است و در روایات سخت با آن مخالفت شده است.

۱. سوره نساء آیه ۸۲
 ۲. تفسیر «صبر» به رسول الله و «صلوة» به امیرالمؤمنین در آیه ۲۵ سوره بقره. «راشع» و «الفسر» و «الفسر» و «الفسر»
 ح ۱، ص ۱۵۳

انقلاب! با این کشف مهم معلوم می‌شود در طول این چهارده قرن از خود بیاسر علیهم‌السلام تا همه مردم دیگر صلوة و اقامه صلوة را عوضی فهمیدند...

به هر حال این نوع روپرو شدن با آیات قرآن کریم همان تفسیر به رأی است که سبب می‌شود این کتاب الهی از اصالت بیفتد.

آیا هیچ یک از جوانان عزیز با ایمان و با صفای ما حاضرند آیات قرآن به صورت یک موم درآید و هر کس به هر شکل که دلش حواس آنها را معنی کند؟

۴. سبلیک بودن بیان قرآن یعنی چه؟
 اگر مقصود این باشد که قرآن زبان رمز است، این را قبول نداریم؛ زیرا می‌دانیم قرآن کتاب سبب است و قسمت اعظم آن برای همگان قابل فهم است و اگر منظور از سبلیک، عباراتی باشد که هر کس هر جور دلش خواست می‌تواند معنی کند، این هم درست نیست و شأن قرآن کریم نمی‌باشد؛ اما اگر به معنای این باشد که قرآن دارای یک سلسله معانی سر راست و همه کس فهم است و علاوه بر اینها اشاراتی هم به مفاهیم و مطالب عالیتر دارد، این معنا به جا و درست است.

در آیات قرآن اشاراتی به مطالب عالیتر هست و این اشارات را کسانی درک می‌کنند که مرحله تکامل فکری، روحی، اجتماعی و قرآنی فهمی را طی کرده باشند؛ اما این اشارات بر خلاف معنای روان و ظاهر آن نیست «و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فيه اختلافاً کثیراً»^۱

۸. مراتب مفاهیم قرآن و شرایط فهم هر مرتبه فهم معنی یاطنی و سبلیک قرآن، کار متخصصان است در روایات شیعه برای این معنی مراد ذکر شده است.
 ۱. یک درجه از آن مخصوص پیامبر و ائمه علیهم صلوات الله اجمعین است و آن عبارت

خواهنده می‌شود اما تأثیری در او نمی‌نهد. «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً»^۱

گاهی یک جوان به دلیل آمادگی روحی از یک آیه یک برداشت روشن، زنده و جالب دارد، که یک فرد خیلی متخصص، ولی فاقد این آمادگی روحی نمی‌تواند آن آیه را با آن دلنشینی بیان کند. این مسأله‌ای است که همواره باید در مورد قرآن و خیلی از متون دینی و انسانی دیگر به آن توجه داشت.

البته به شرط اینکه روشن باشد که این یک برداشت است و به حساب اصل قرآن و ارایز نکند، نباید راه را برای برداشتهای بعدی ببندد.

این مطلبی است که من خودم همواره متقید به رعایت آن بوده‌ام. توصیه می‌کنم ترجمه را از برداشت جدا کنید و اگر علاقه نداشته باشیم حتی ترجمه را ذکر کنیم متذکر شویم که این برداشت خودمان است نه ترجمه آیه، به همین دلیل کسی که به برداشت خودش اهمیت می‌دهد باید به برداشتهای زنده دیگران هم اهمیت بدهد و برداشتهای زنده است که درجات مختلفی دارد.

۷. پرهیز از تفسیر به رأی در برداشتهای زنده یک آقای طلبه‌ای که مراحل تحصیلی معمولی را تا پایان سطح گذرانده و در شهر خودش تدریس می‌کند، نوشته تفسیر گونه‌ای را آورده بود من بینم تا بعد از بررسی چاپ کند حدود دوازده صفحه آن را که خواندم دیدم همه‌اش انتقاد دارد، یک نگاهی کردم به بحث‌های دیگر و به مطلب مضمحکنی برخورددم و آن اینکه ایشان اقمیر الصلوة را معنی می‌کنند، بر پای دارند آتش انقلاب را علیهم‌السلام می‌گوید صلوة یعنی آتش. نوع ارتباط کلی با هم دارند ولی علاوه بر این بعضی آیات با یکدیگر ارتباط خاص دارند که در آن کار هر کس نیست.
 ۱. سوره اسراء آیه ۸۲

۴. جمع بندی آیات

در قرآن آیه‌ای می‌بینیم که در مورد یک موضوع در زمانهای مختلف مازل شده، درباره یک موضوع چند آیه آمده، دو سال دیگر، چند آیه جدید آمده، آیات بعد مکمل آیات قبلی است. باید تمام آیات مربوط به یک بحث را با ترتیب تاریخی و توجه به آیات مکمل جمع بندی کنیم تا بتوانیم مقصود نهایی اسلام را در یک موضوع بفهمیم، این که گفته می‌شود القرآن یفسر بعضه بعضاً ناظر به این مسأله است.

۵. تعمیم و توسعه مدلول آیات

به تمام زمانها و مکانها

در عین اینکه قرآن کلامی است که در شرایط تاریخی خاص نازل شده و ناظر به مسائل آن زمان است؛ ولی به حکم اینکه کتابی جاوید و جهانی است هرگز مقصود آیات منحصر در آن شرایط زمانی و مکانی نمی‌شود و این از خود قرآن به دست می‌آید و وقتی قرآن پیامبر را «نذیراً للعالمین» یا «کافاً للناس» معرفی می‌کند؛ پیامبر این تسمی توانست خطابش در آن چهار چوب محصور باشد.

این مطلب به درجه‌ای بالاتر از آن فهم ساده و به نوعی تسلط احتیاج دارد و این همان اجتهاد و استنباط محققانه از آیات و روایات است و به این جهت گفته می‌شود قرآن ظاهری و باطنی دارد و باطنش هم باز باطن‌ها دارد و به همین ترتیب فهمش به تدریج فنی و تخصصی و اختصاصی می‌شود.

۶. گوناگونی تأثیر قرآن بر افراد گوناگون

تأثیر این کلام بر روی انسانها گوناگون است. یک آیه وقتی بر شخصی خوانده می‌شود، دل او را آتش می‌زند و او را به هیجان می‌آورد و همان آیه بر فرد دیگری که از نظر فهم لغت و عبارت با او فرقی ندارد

۹. کلمات و عبارات رمزی و آیات متشابه قرآن در قرآن آیات و کلماتی وجود دارد که معانی آنها روشن نیست؛ مثل فوانع سرور از قبیل: **الشم، ایس، کجهتص** و... این عبارات یک نوع رمز است و زیر و رو کردن این موارد و روی ذوقیات حرف زدن متنوع است.

خود قرآن در سوره آل عمران فرموده است که این آیات را خداوند و کسانی که از خدا گرفته باشند (پیامبر و امام) می دانند؛^۱ باین دلیل در آیاتی که مشابه و چند پهلوی هستند و خود کتاب می خوانند تا زبان خودش حالت رمزی داشته باشد، باید درنگ کرد.

دو قرآن دو نوع متشابه هست:
 ۱. متشابه کامل مثل «الم» و امثال آن (حروف مقطعه)
 ۲. متشابه نسبی؛ یعنی عبارتی که تا حدی معایش روشن است. هم در متشابهات کامل و هم در متشابهات نسبی باید از دست زدن به تأویل خودداری کرد.

عبارتی که در یک حد، معنای روان و سر راستی دارد و فراتر از آن حد، چند پهلوی می شود و معانی متعدد پیدا می کند، متشابه نسبی است که در حد روان و سر راست محکم، و در حد فراتر، متشابه است.

مستسک قرار دادن عبارتهای چند پهلوی جز فتنه و اختلاف نمره دیگری ندارد. این است که قرآن می فرماید «فاما الذین فی قلوبهم زیع فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء تأویلهم». در حالی که «ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم»^۵ (سالا اضم از اینکه راسخون در علم در این آیه عطف به الله یا مینما برای قسمت بعدی آیه «یتولون ائنا به کل من عند ربنا» باشد) و مسلم است که راسخون در علم به آن معنایی که ما می گوئیم، پیامبر و ائمه طاهریانند.

خلاصه بحث تا اینجا اینکه مثل اخباریها نیستیم که فهم قرآن را یکسره مخصوص پیامبر و امام بدانیم و

بگویم برای فهم هر آیه ای باید به روایات وارده در مورد آن مراجعه کرد. ما می گویم مفاداری از آیات را که آیات بیات و محکمات قرآن هستند - همه مردم می توانند بفهمند و برداشت روشن داشته باشد به شرط آنکه عربی عصر پیامبر را بدانند و یا شرایط نزول آیات آشنا باشند و از حدی که به روشنی فهمیده می شود فراتر نروند و تمام قیودی را که گفتیم رعایت کنند.

۱۰. دو خورد یا روایات تفسیری

در برخورد با روایات تفسیری، موضع ما این است که اگر روایتی از نظر سند و از نظر دلالت قطعی باشد این روایت هم ردیف قرآن است؛ همان کتاب و سنت و همان کتاب و هجرت است.

اما اگر روایت سندش محدوش باشد یا دلالت عبارت قطعی نباشد، حق نداریم به آن نقش تعیین کننده در فهم قرآن بدهیم؛ بنابراین استفاده از احادیث و روایات در فهم قرآن، فنی بسیار ظریف و دقیق و یک کار کاملاً فنی و تخصصی است چرا؟ برای اینکه در بین آنها احادیث جعلی و غیر معتبر و غیر متیقن هست.^۶

نقش تعیین کننده را فقط به روایتی می توانیم بدهیم که اسناد آنها به پیامبر و امام قطعی و یقینی باشد آن هم در حدود دلالت روشن و بین آن می تواند نقش تعیین کننده داشته باشد و روایات دیگر فقط نقش تذکر دهنده را دارند.

۱. سوره بقره آیه ۱ و چند سوره دیگر
۲. سوره یاسین آیه ۱
۳. سوره مریم آیه ۱
۴. سوره آل عمران آیه ۷
۵. سوره آل عمران آیه ۷

۶. حتی سوره احادیث نیز محکم و متشابه و ضعیف و مستغصب دارند. در این باره به کتاب «معانی الاخبار» تألیف مرحوم صدوق و کتب درایة الطلعت مراجعه کنید.

۱۱. روش صحیح عرضه مکاتب و نظریه هابه قرآن

مایدون شک می توانیم مکتبهای فلسفی، عرفانی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی را مطالعه کنیم و بسینم این مکاتب در زمینه چه مسائلی سخن گفته و چه گفته اند. طبعاً

در این مطالعه هم با مسایل تازه و هم با موضوع گیریهای تازه برخورد می کنیم، سپس می خواهیم بسینم مکتب ما در این زمینه چه می گویند. مراجعه می کنیم به قرآن بسینم قرآن چه می گوید. می آنکه حتما انتظار داشته باشیم قرآن این امور را رد یا تأیید کند و بی آنکه بخواهیم برای آنچه خود پسندیده ایم از قرآن پشتوانه درست کنیم و الا مراجعه با انتظار رد یا تأیید گرفتن از قرآن ما را به انحراف می کشد.

امیدوارم با رعایت این معیارها در استفاده از قرآن که «کتاب من الله و هنوره و هدیه و همین است» اهتمام و رزوم، «یا اهل الکتاب قد جائکم من الله نور و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام...»^۱

۱۲. نداشت یک بعدی از قرآن

آنچه یک فیلسوف یا عارف یا اخلاقی، درباره آیات قرآن می گویند مشمول همین بندها است. اگر بخواهد آن را به حساب قرآن بگذارد در حالی که با القاط قرآن پیوند و رابطه چندانی ندارد؛ باید به او هشدار داد که آقا شما خوب بود به حساب برداشت خود می گفتید نه به حساب قرآن والا شما در معرض خطر تفسیر به رأی هستید. اتفاقاً در کتاب «خدا از دیدگاه قرآن» یک نمونه اش را در آیه ای که هم این سینه هم صدر التالیین و هم خواججه نصیر در یک مطلب فلسفی - عرفانی مورد استفاده قرار داده اند، نقادی



کرده و روشن ساخته ایم که ارتباط این آیه با مطلبی که آنها می گویند، ارتباط قرآنی نیست. «سنتر بهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید»

در این آیه «انه الحق» را طوری بیان می کنند که ضمیر به خدا برگردد من در همان مسأله گروه بدی آیات نشان دادم که ضمیر بر حسب ظاهر به خود قرآن برمی گردد. بنابر این تمام آن مطالبی که آن بزرگان دارند اصلاً زبانی است. البته این نظر خود من است، لیکن دارد این نظر هم مورد انتقاد قرار بگیرد.

۱۳. مسائل اجتماعی در قرآن

ما الان در عصری هستیم که نیاز هراوان داریم بدانیم موضع قرآن در برابر مسایل اجتماعی و نیازهای اجتماعی و جامعه سازی و... چیست؟ برای اینکه انسان اشارات و مطالب قرآن را درک کند و بفهمد، باید با موضوع آن یعنی انسان و بافتهای اجتماعی مورد اشاره قرآن آشنا باشد تا بتواند آیات اسان ساز و جامعه ساز را بهتر درک کند. امروز مطالعه گران قرآن باید در زمینه های اجتماعی انسان، جامعه و بافتهای گوناگون انسانی، مطالعه ای گسترده و حضور ذهن داشته باشد و با چنین حضور ذهنی سعی کنند آن اشارات ارزنده قرآن را در این زمینه ها درک و هر چه کنند؛ به شرط اینکه برداشت خود را بر قرآن تحمیل نکنند و اعتراف کنند که این یکی از برداشتها است.

۱. سوره مائده آیه ۱۵ و ۱۶.